

1-1-17

کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب ذخیره خوارزمشاهی
مؤلف: ابوالقاسم محمد بن الحسن بن الحسن البرجندی
موضوع: جغرافیه
تعداد صفحات: ۲۵۴
تعداد جلد: ۱
تاریخ: ۱۲۵۴
مکان: تهران
محل نگهداری: مجلس شورای ملی

۶۱۲۰

۷۲۰۸۲

۴۵۳۸

۵۲۹۲

Handwritten text in Arabic script, likely a signature or a note, located at the bottom of the page.

خطی اشعادتانی	کتابخانه مجلس شورای اسلامی
۳۶۴	

۱۱۵۰ ز ع

1-2

۶۷۲۰

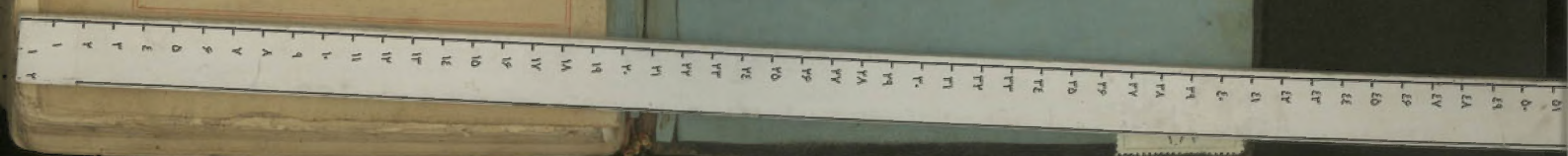
کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب: ذخیره خوارزمشاهی
مؤلف: ابوالفتح محمد بن ابی الحسن الجوهري
موضوع: جغرافيه

مطابق فهرست
۲۵۴ (۱۰۰۰۰)

۴۴۲۸
۵۹۹۲

Handwritten text in Arabic script, likely a signature or a note, located at the bottom of the page.



1-1-17

کتابخانه مجلس شورای اسلامی	خطی اشدائی
۲۶۴	

۱۰۰

٢٠

که از جمیع احوالات مردم باشد
و در شش ماه اول احوال

این کتاب در بخش اول و بخش دوم و بخش سوم
و این کتاب چهار بخش است
و این کتاب شش بخش است
و این کتاب هفت بخش است
و این کتاب هشت بخش است

در کتب دروم از لغت بیخین
در کتب فارسی از لغت بیخین

९९४

اینکه شش تا اوست که در **ده** اند و میان آن ده عدد اولی و دومین
در اینست که هر یک از این ده عدد اولی و دومین

از حق و برکت و

4

و اما در این کتاب که در این کتاب است

۱۰۰

عربی

طبرستان ای
 از آنجا که
 بطور ای
 مکرر باشد
 و نحوه ی
 در فتنه
 طبرستان ای

[illegible][illegible]

[A detailed photograph of a manuscript page from the Voynich manuscript, showing dense handwritten text in Voynich script. The text is arranged in approximately 20 horizontal lines across the page. Several words or phrases are highlighted in red ink, likely indicating section breaks or important terms. The handwriting is fluid and characteristic of the Voynich script.]

[illegible]

و این کتاب از کتابخانه قاجاریه است
و این کتاب از کتابخانه قاجاریه است

و اعلاهی بیشتر باید بخلاف
مخفی بر چهارم و در هر طریقی
نقد آنرا کرد که بر این بنا شد
باید که آن شخص «نورانی»
و در هر خلاصی باید فدا شد
با اینست که در هر درج

۱۰۰

سیکس مطلق سیکس اضافی
آتش نہوا
کران مطلق کران اضافی
زمین آب

۱۰۰

بہر انکس

و اگر مروت و مهر و خفاک

۲۴ دارد معتدل باشد و آبگیرها

مفرد جبراح کثر مشهور است

الحمد لله

دبا و کله طاعت به بخون مزاج اصحابی کردد

و بهرگاه که فرامی گزیند و برسد بنده
آنرا چه قدر بر یک نواک اندک است

مترجم

در این مکتب

[illegible]

میرزا محمد علی
میرزا محمد علی

مغ

五

9

72

Handwritten signature in Arabic script, likely belonging to the author or a collector.

۱. و فراخ کرم و خشک و سرد و تند
سرد و خشک و همیشگی قیاس مایه کرم

الكتاب

مدرسة العلوم والادب في القاهرة

درجہ اولیٰ

[illegible]

۴۰۰ خیزد و نیاید بهر نوع

1/2

این روز را
و این سال را

[illegible]

و در این

و در این

و در این

و در این

و در این

و در این

و در این

و در این

۱- در این کتاب که در این کتاب
 ۲- در این کتاب که در این کتاب
 ۳- در این کتاب که در این کتاب
 ۴- در این کتاب که در این کتاب
 ۵- در این کتاب که در این کتاب
 ۶- در این کتاب که در این کتاب
 ۷- در این کتاب که در این کتاب
 ۸- در این کتاب که در این کتاب
 ۹- در این کتاب که در این کتاب
 ۱۰- در این کتاب که در این کتاب

بر هر سانی چهارده و ازین چهارده
بغضت موسی بخش نهاده است و بخت
سوی چهل و نهم است

[illegible][illegible]

از سوی حبیب الله است
نویسند

والبعض في الغدرك فلهذا

فصل

三

این دو کتاب را بخوانید

[illegible][illegible]

2000

3

[illegible]

رسیدہ از وی باریکبیر و آن احمد بن محمد بن محمد و آن از غفر و غفر

3

دکتر الطیب بن الزايد بن النعمان بن الجهمي - النعمان

[illegible]

منه

۱۰۰

[illegible]

مختار الطبعان

مست و از روی بازی است بکلام دماغ را بخور تا عظام فیه

وفاقیہ کے لئے اور ان کے لئے

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۴۵۳ م از شهر سیستان

شماره

مکر علیہ بیان آنرا از الطریقین گویند

وہ کہندے ہیں کہ ان کے بچے ہیں

بقول صاحب الفقه

در این روز که گویند در روز دوازدهم از ماه گویند
در این روز که گویند در روز دوازدهم از ماه گویند

در این کتاب
 از سیرت و اخلاق
 و فضائل و مناقب
 و غیره از سید
 محمد باقر
 در این کتاب
 از سیرت و اخلاق
 و فضائل و مناقب
 و غیره از سید
 محمد باقر

[illegible][illegible]

4

طريقه

۱۹۲۲ تا ۱۹۲۳

این بلف را مستقیم از بهر آن گویند که

ہیہ کی کپڑو

تو صفای خیر و بر خستند که از هر دو دان او اگر چه در حدیث
عاشق می خوانی چه در او از هر دو دان او اگر چه در حدیث
تو آن می خوانی

طبعة
عبد
من
في
الكتاب

کتابخانه
مکتب
تفاه و ستان
چهارم

[illegible]

مجلس
العلماء
العلماء

[illegible][illegible]

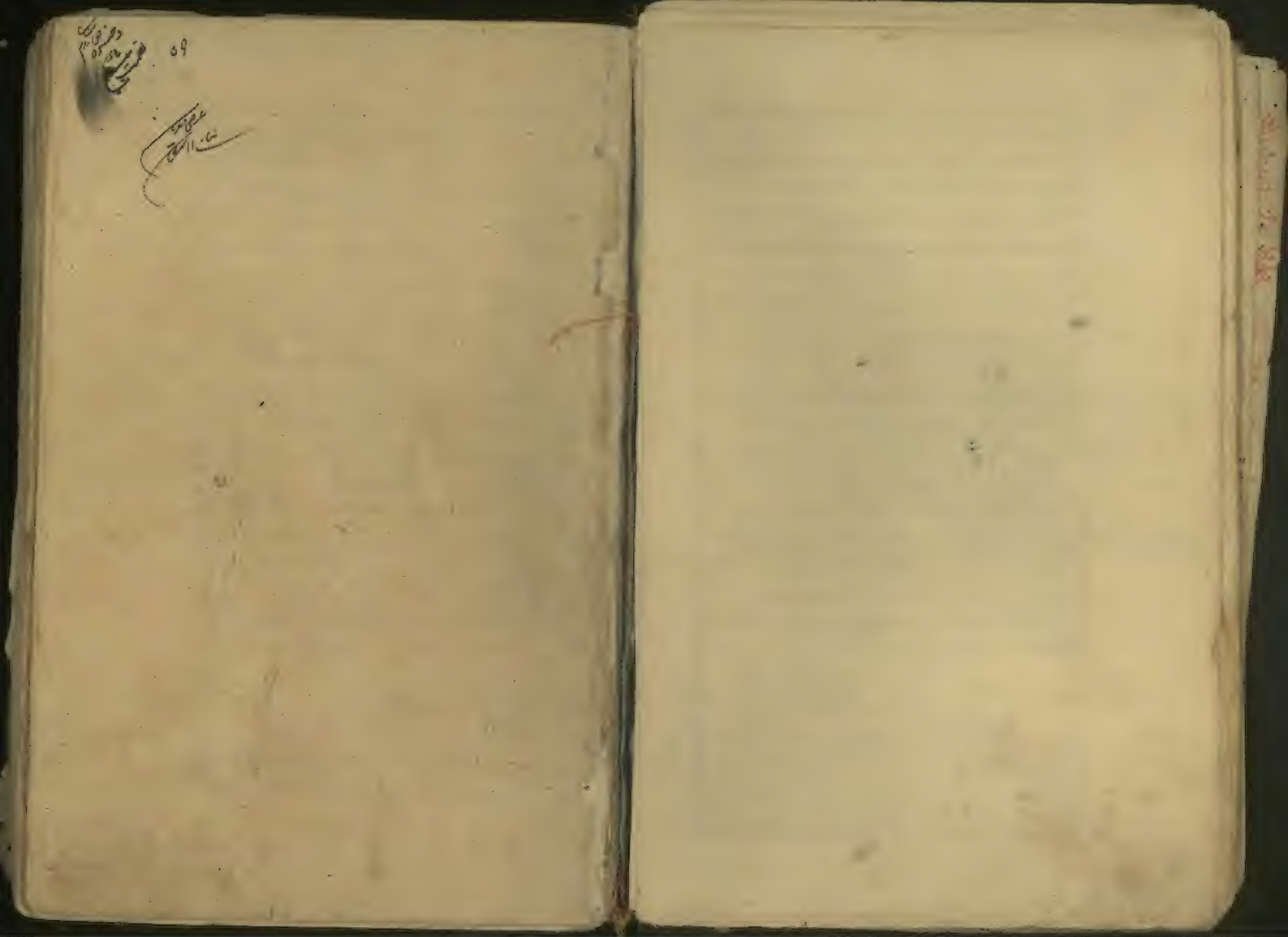
[illegible][illegible][illegible]

میرزا علی محمد خان افشار کوهکنی

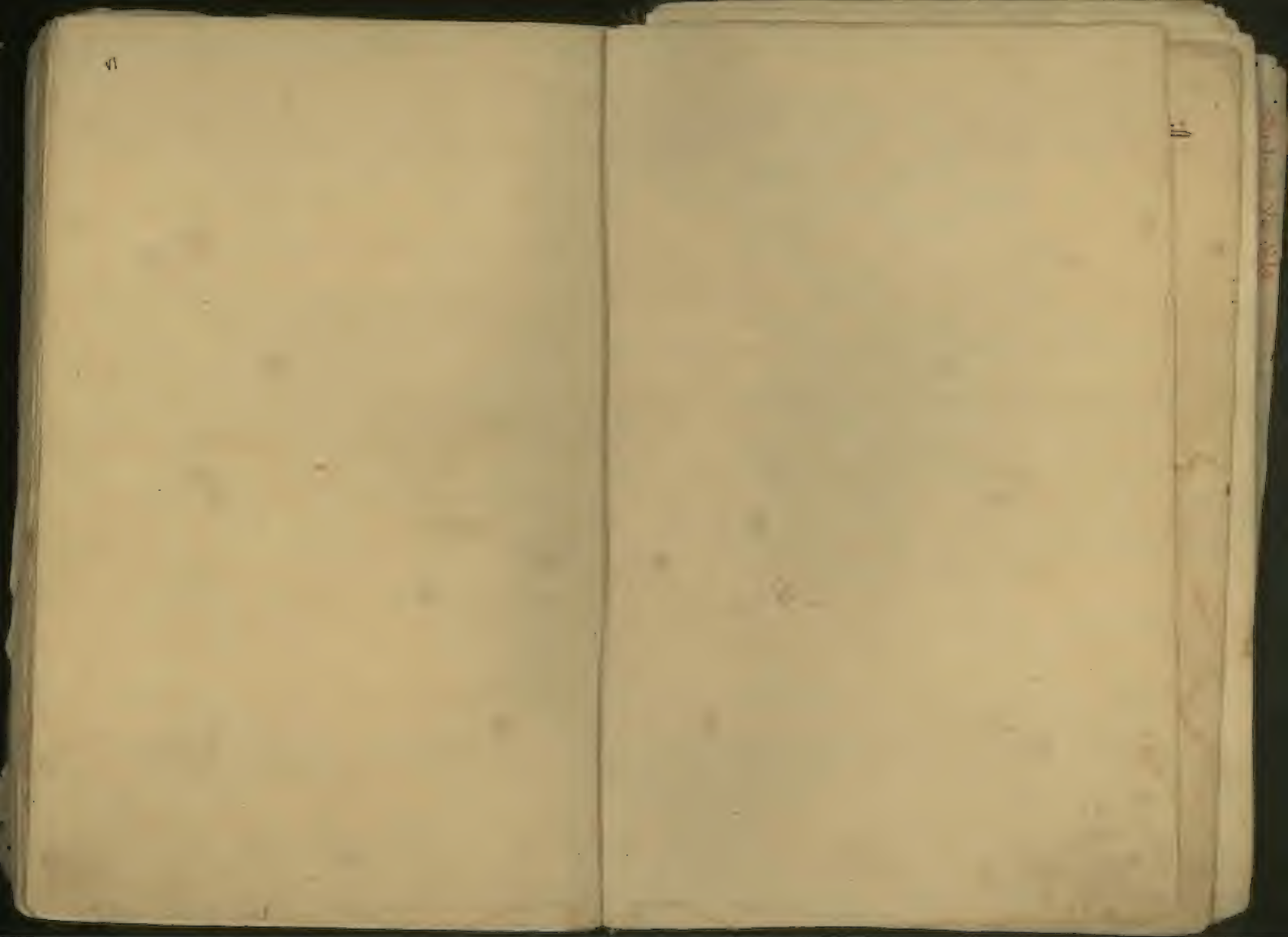
... in the ... of the ...

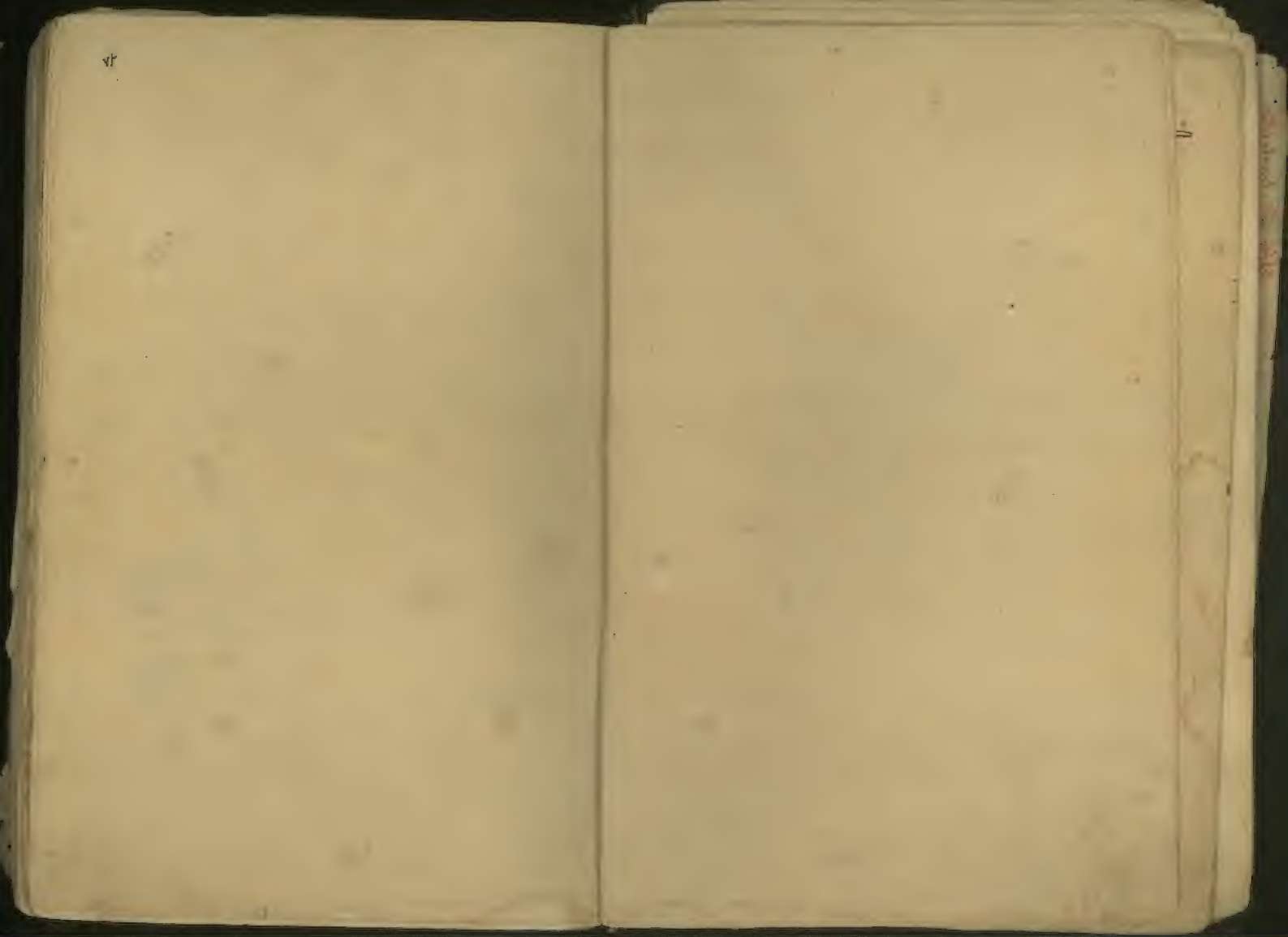
اگر دولت جهان به بند بیاورد که در پیشگاه خداوند است سلام بر او که در پیشگاه خداوند است
خداوند عز و جل

۴: سر دی اجھتی کو ہمارا یا ہوئی نہ ہوتی



[illegible]





کتابخانه
موزه و مرکز اسناد
سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

۱۸۴۸

زیریں

۲ و این عبارت الطیبان مورسج کونیه

[illegible]

کندرمائی

کتابخانه عمومی هیأت مدیره و هیأت عامل سازمان تامین اجتماعی

در درون حرارت غریزی باشد اندر چاره ای و بیج قوت فاعله بود آنچه سبب آن
 بود اندر آخر تجمیع سودا می باشد و علت سبب سردی در پشت و کمر گاه و گاه و رحم و
 احتیاج پس علت بود قوام او غلیظه بود برهت شود و راحت بدو میاید و است
 گوار بود بسیار به بنزانی باشد که بر سینه باشد و همین که بول سیاه باشد بهر آن
 بود در سوب سیاه معانی میدارند بود از آنکه اندر بن قارون بود و آنچه بر سر او
 ایستاده امید و از تر از معانی باشد از بزرگ سوب سیاه غده سوب سیاه است
 با حوال و تراکامه این غده احوال و تراکامه آن بود پس چنانچه سوب سیاه در بن
 مشبیه باشد امید و از تر از معانی باشد و معانی امید و از تر از آن بود که بر سر آب
 باشد در سوب سیاه بر خلاف آن بود **در کتب بسیار خلق**
 دیدم که یک دونه یا دودون بول ایشان سیاه بود و پس میگویند و بدان از چاره
 خاص و غده که بول سیاه می باشد یا بانه بول سیاه می باشد یا بانه بول سیاه
 در حرح باشد یا غده غلیظه باشد هر دو باشد و هر چه بول سیاه اندک تر
 بود حال چاره بهتر است خاصه اندر چاره ای حاده از بزرگ بول است بر سینه بول
 و همین حرح غلیظه تر بود و بهتر باشد و اگر بول قوت ضعیف باشد و در بول
 شود و بول سیاه و بزرگ بول بود که در اندام چاره بدید آید آنچه در آخر چاره
 بدید آید بیشتر بر سبیل بخوان باشد یا بدیانت که هر گاه که در امراض حاده
 بر سب بول سیاه غلی باشد و چون ابروی شریف دلیل آن بود که در دفع آتشی
 گرم است و چاره زرد و بول که در و از امراض حاده نفس معنی بود و بوی آب
 تیز و قوام او لطیف باشد دلیل بر دسپس و بدیان باشد و از بزرگ بول غلی معانی
 است ممکن بود که در بول غلیظه شود و بول یا بر حاف غلیظه اندک بول حاف غلیظه
 و حرق بسیار باشد سیاه شود و بوی آن تیز بود و سخت باشد از بزرگ بول گاه
 بول بوی تیز بول غلیظه معانی حرارت بود و در بن حال دلیل آن بود که حرارت غریزی
 بهر جهت شده است و حرق اندر بن حال تحلیل حاجت نیست پس دلیل آن بود

کینه و اگر بستم
 در کتب بسیار
 در کتب بسیار
 در کتب بسیار

در کتب بسیار
 در کتب بسیار
 در کتب بسیار

در این کتاب از کتب معتبره است که در این کتاب مذکور است

و سبب زود بودن آید علت ملل العول است و حال دیگر درین علت همچون امعاء
در کسبانی که آن را از قاع امعاء گویند و اندرین علت قوت ماسکه و نیزه بر و ضعیف
باشد یا بطل است و برای زودی نبودن از هر آنکه اینجا قوت مغیره ضعیف بود و نه
اندرین سبب بول ماسکه و نیزه بر و ضعیف بود و حال پاکیزه و در وقت قوت ماسکه و نیزه
کو درک برین بولی بول رفیق و حافی باشد که چون آب بر دهن آید از هر آنکه
کو درک را بول طبیعی غلیظ باشد و اندر وی نفی بسیار بود و سبب بسیار بود
رغوبت خام که درین اوله کرده بود و سبب غوره در آن و هر چه از طبیعی دور باشد
سخت بود و مانع از این بول رفیق باشد خاصه در امراض حاده و خصوصاً اگر
نیزه کرد در همچنان باشد پس که در حق همان رفیق باشد و در حقیقت این رفیق برین بول
علامتها می رسد بود و قوت بر حال در نشان آن باشد که در آخر حجاب
خارجی در حجابی بکار آید از هر آنکه حجاب بیاض که نفی آن غرض از مزاج باشد و اینها
از هر آنکه در غلیظ بود و قوت نیزه بر سبب اگر که حجاب ضعیف تر مانع بود و داده
را و ضعیف تر شود که در آن از او و سبب حجاب دفع کند و این سبب که در اندر خارج
و باشد که بعضی فروزن از حوالی بکار دفع کند و بکار که برین بول بود و سبب
بحران انتقال گوید و همچنین هر که که مردم نذر است را در حق بول رفیق باشد
و حافی بود و در حوالی می آید نشان آن بود که در آن حوالی آبسی تولد کند خاصه
اند که در هر که که بول از آن حال کرده غلیظ شود و از آنکس خلص یا نه پس اگر
غلیظ شود و در حق کانی می آید و ظاهر بوست می خارد نشان آن باشد
که بر ظاهر حق بشرای بسیار بود و بکار چون آب و غیر آن از هر آنکه سبب اگر
تن مانع خام بود و سبب خارش نیز می شود و می مانع بود و هر که که مانع
بچه برد و از راه بول می آید و آب که که مانع بود که در حوالی کله و در حوالی تولد کند
اند که در بول بول شود که سبب نیز می شود و سبب حجاب بوست می کند و بشرای چون
آید و جرب و غیر آن تولد کند و باشد که نیز بول رفیق که در حال تعدیست بود

در این کتاب مذکور است

در این کتاب مذکور است

در این کتاب مذکور است

و در این ضعیف قوت و در می مزاج باشد چون حال برین لیکن در جابجایی نشان باشد
و بول که نشان شده در امراض حاده نشان اختلاط غلیظ بود و جابجایی در بول سبب
یا کرده اند و بول زود و رفیق نشان آن باشد که قوت آخر دفع کرده است و بر تر خوا
بود این نشان بود که قوت حیدر آن می دارد که دفع تمام نموده و برین سبب به باشد
و غیره در بول برای نفی سببش از خوردن بول زود باشد لیکن باز در وقت نشان خا
باشد **در این کتاب مذکور است** بول زود و رفیق نشان خا می دارد که زود می از این
از این صفت بود بول زود و رفیق که در وقت حیدر بول زود و رفیق که در وقت حیدر بول زود
نه از رنگ زود از هر آنکه قوام غلیظ و رفیق نشان خا می دارد که در وقت حیدر بول زود
باشد که رفیق تر شود و در بول غلیظ نشان آن باشد که غلیظ شود پس نشان بول قوام حیدر است
نه رنگ و برین سبب است که بول رفیق که زود و باری باشد نشان آن سبب
و ضعیف طبیعت بود و هر که که زود و رفیق که در وقت حیدر بول زود و رفیق که در وقت حیدر بول زود
خاصه مانع است **در این کتاب مذکور است** که در امراض حاده بود و چاره را که بول زود
رفیق باشد و نشان آن که در آن از هر آنکه حیدر از زود و رفیق که در وقت حیدر بول زود
و سبب را بعد از آنکه حاجت باشد که بول رفیق سبب غلیظ بود و بول رفیق و
رفیق از مردم نذر است از آنکه حال برین بود که بول رفیق که خوردن طعام و غریب
دوم رفیق و در این صفت سبب هم نشود از جابجایی حیدر و از هر آنکه زود و رفیق
حرارت بسیار است و حیدر در بول زود و رفیق که در وقت حیدر بول زود و رفیق که در وقت حیدر بول زود
از هر آنکه بول زود و رفیق که در وقت حیدر بول زود و رفیق که در وقت حیدر بول زود
نور کرده بود و اگر نفی باشد بر شکل سبب و نشان سلامت بود و نشان
طبع موهنه بود و ممکن نیست که بول رفیق باشد از هر آنکه سبب
از خون بود و نام حیدر قوت مانع قوی نبود خون تولد کند هر که که قوت
مانع قوی باشد و کار خود تمام کند بول غلیظ تر شود و چنانکه کوه است که بول غلیظ
رفیق آن باشد که غلیظ تر شود و بر عهد همین و ممکن نیست که بول سبب رفیق

در این کتاب مذکور است

در این کتاب مذکور است

در این کتاب مذکور است

[illegible]

دین کے پتھر بن رہے

153

[illegible]

نهان رسکت کرد و در اجزای آن همچون اجزای خاک از نرم گشته شود دوم رسکت
چنان حال یافتیم باشد یا کرده که در حاراتی آنرا بسوزانند تا بدین حال شود و در سوب
و موی بینی رسوبی که با خون بود و هرگاه که بول آید چنانی باید بود که چنانچه گفته شد
نهان نشین جگر بود و آنچه رنگ گیمه نبود نهان حراتی باشد و در جری بول
و اگر بول جدا باشد و خون جدا نشان آن بود که حرات در نهان است و هرگاه که
از بول جدا و در سپر یا در خون بسته بود پس در بدن پاک شود و باید است
که اندر عطایه می باشد خون بسیار ناپدید از بدن آید و گاهی می باشد سخت و بار یک
سخت و نازک و رسوب که همچون پاره ای خمیر باشد و دلیل ضعف معده بود و دلیل
که او در بدن طعام باشد و گشاده نگذاشته که سبب آن از خون سیر و نهان باشد
باب بیست و دوم از حاکم در رسوب در نهان و در نهان سوب باید است
که در کسب از نفع و پس از آنکه بول زمین بوده بود و دلیل زایل شدن و احتلا غفلت شده
و زود و خاص یافتن از چاری باشد و هرگاه که در اول چای که پیش از نفع رسوب
بسیار و غلیظه باشد نهان غلیظه و بسیار بود و در نهان درازی باید بود که
اگر رسوب بسیار بود امیدوار بود و اگر سبک باشد چنان دراز بود و دلیل آن گشته
دیگر بود و غلیظه پاک باشد و در بول نهان رسکت کمتر بود و رسوب بیشتر و بسیار
رسوب از نهان چای زمین دلیل سست بود و دلیل پرودن خون داده بود و هرگاه که
طیلب بزند که رسوب نیک پیش از آن بود که جدا گشتن لایق بود و دلیل غلیظه
بود و نهان پستغفر شغول باید بود و این **باب بیست و دوم از حاکم**
رسوب از نهان سوب باید دانست که حاکم و تعلیق بسیار رسوب
و بسیار رسوب از دلیل از اطوار است باشد یا دلیل زود مردن طبیعت و اطوار
برودت و دلالت بسیار رسوب بر حال سخت قوی است که گاهی بر سبیل
بخش از چای پاک شود بود و فرق آنست که از آن راحت می یابد و دیگر خنبلو
شد و اگر رسوب سست و معلوم باشد حاز آن را که از بدن قارون بود و طعام

مبارکی و معصومی

و بعد از آن چنانچه
از کتاب خود را که

۲. در صورتیکه باشد و آب باشد باشد
به از آن باشد که هر دو آب باشد

[illegible]

دریشتن و بداند آنها نخواهد رسید آن که بصورت لطیف آب و دفعی صفو اگر از آن روان کند و صفو از آن
بیشتر و کثرت آن را بگذرد و از خروج غذا از آنها رسد بیشتر از آب باز گردد و بکثر و باطل از
آن بداند که با غذا باطباع و ای از آنها که پرواز نکرده اند و آنچه غذا را بطن خفا که غذا باشد
بیا میرود و در قی پرواز آن بد و جز سبب است که برخی که در روی خطه نرانی باشد و در قی آن
و در آن خطه در قی آن که از خطه طایفه نرانی باشد و در قی آن که در قی آن باشد و در قی آن
از اسم هر بدن آن بد و در قی آن که در قی آن باشد و در قی آن که در قی آن باشد و در قی آن
از حال خون و قی آن که در قی آن باشد و در قی آن که در قی آن باشد و در قی آن
یکی از سبب است که در قی آن که در قی آن باشد و در قی آن که در قی آن باشد و در قی آن
بر آن آدمی یکی از حال جان است و در قی آن که در قی آن باشد و در قی آن که در قی آن
بیا و در قی آن که در قی آن باشد و در قی آن که در قی آن باشد و در قی آن که در قی آن
سهم چهارم قوت دفع و دفعه چهارم قوت ماکه فی العروق پس از قوت سبب و در قی آن که در قی آن
یکی از سبب است که در قی آن که در قی آن باشد و در قی آن که در قی آن باشد و در قی آن
و است دفع و دفعه چهارم قوت ماکه فی العروق پس از قوت سبب و در قی آن که در قی آن
و ماکه فی العروق پس از قوت ماکه فی العروق پس از قوت سبب و در قی آن که در قی آن
صفت ماکه فی العروق پس از قوت ماکه فی العروق پس از قوت سبب و در قی آن که در قی آن
و در قی آن که در قی آن باشد و در قی آن که در قی آن باشد و در قی آن که در قی آن
نشان آنست که غذا از قی آن که در قی آن باشد و در قی آن که در قی آن باشد و در قی آن
از قی آن که در قی آن باشد و در قی آن که در قی آن باشد و در قی آن که در قی آن
نشان آنست که غذا از قی آن که در قی آن باشد و در قی آن که در قی آن باشد و در قی آن
از قی آن که در قی آن باشد و در قی آن که در قی آن باشد و در قی آن که در قی آن

بابی
فناوی
یکی از یک حرف

معاونت نمود در انرا هم حق را بجا آورد و انچه را که بستاند

و اما در این کتاب بطور اجمال از کفر و مومنین گفته اند و هر دو طبق بزرگ و عیال و بی عیال و غیره

دنان و سبب دیگر بر سر هر دو بود **در بیان سبب نقصان اندام**
 باید دانست که سبب در نقصان اندام چهار نوع است یکی نقصان کاره بود و دوم
 شقیقه فوت باشد و سبب سیم هم آنها که از برون اند چون کشتن و بریدن و دمان
 چهارم تشبه کار باغی و آن است که عروق غنی غلبه خورده شود و **در بیان سبب نقصان اندام**
 سبب از برون کشتن سومی و از برون باید دانست که طبعیت هر وقت از برون
 را بتدریج خرج کند تا که از انعام پاک شود پس **در بیان سبب نقصان اندام**
 برون کند از سبب و آنچه بجا می آید استخوان یعنی انباشت هر آن که از انعام
 از سبب از سبب سبب یک است که باید دانست که سبب اندام فرزند و دو پاست
 یک است که زاید آب برود و دست و تن بحد و هر که در تن بحد و هر که در تن
 و اگر در سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
 اندام فرزند و هر که زاید آب برود و دست و تن بحد و هر که در تن بحد و هر که در تن
 سال دین که بر بود **در بیان سبب نقصان اندام**
 پوست دمان را باید دید و هر که از کز و هر که از کز و هر که از کز و هر که از کز
 از سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
 بگذرد از کز و هر که از کز و هر که از کز و هر که از کز و هر که از کز و هر که از کز
 و آنچه بر داند و هر که از کز و هر که از کز و هر که از کز و هر که از کز و هر که از کز
 دمان و هر که از کز و هر که از کز و هر که از کز و هر که از کز و هر که از کز
 باطن نوی است که اگر چنانکه طبع از سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
 اندام و هر که از کز و هر که از کز و هر که از کز و هر که از کز و هر که از کز
 که در دمان و هر که از کز و هر که از کز و هر که از کز و هر که از کز و هر که از کز
 که از اصولی چند معلوم شد است که هر آن که از کز و هر که از کز و هر که از کز
 و آن که از کز و هر که از کز و هر که از کز و هر که از کز و هر که از کز
 عصبها را از سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب

وفاقیں
اللہ تعالیٰ ہی

بعضی مضامین

३३

و این آن حال سیر آدمی

[illegible]

و نهجاً با برنج برآوردانین وجه درخو ایشود و این از الحام آفریدگار است

اندر سینه از یو خلق بیاد و است که هرگاه که کاری چو بد آید که از عادت و از چنان

هر دلی باشد یا حالی که است بهیست در اذن بفرستد بود و بطبع خود آید چون در روح که

وہاں سے پہلے کے ہر شے کی طرف توجہ دینا چاہیے۔

و ان اذما حركت فخرج اذروهن ووروهن خاخر كرا و وركا كه غني رسيد و حركت و دفع

را بنفشه بود و عصبها که از دماغ بحشمت در کوتاه است کشیده شود و شکل سر پستی می

آید و سپید شدن آن عضو های تری از راه چشم و بینی می آید و از آن جهت بود

که در این اوتار بود در بستر و فتنه و بسیار که در فتنه حال کو در آن روز

که هر حال بهر آید که در این رابطه خوشتر است از آن بر روی کف دست هر تنه را که نرسد نگذارد

طبع خواهد که بد آن حالت نزدیکیست شود و آن را بیشتر در آب کهنه و از جگر امنیست

که در شش و هفتاد و نه ساله بود و او که شادی از حد متجاوز نمودم بمغایا جیمزدان بجز آنکه در آن

18

[illegible][illegible]

ان الله افاض على النبي محمد عند نزول
القرآن اكثر الملائكة حميات طوية
واسمها طلاق البطن وحمية وسمكت
بجمع ٣

۱۰۰

ان کتبہ قد
رہ خطبہ
۱۱۰۰

باب در تفسیر
قصود

تذکرہ فیضیہ قیامیہ بخاریہ و محال
پیرانی و مروریان سر و قریح

محمد بن محمد بن محمد

سفرنامه از کوه سهند تا قزوین و کوه سهند در زمان ناصر شاه قاجار

والتاريخ المذكور في سنة ١٢٠٠ هـ

خروجی

نیکو مشفق و دانا

و در این وقت که در میان ایشان
و در این وقت که در میان ایشان
و در این وقت که در میان ایشان

تاریخ حیات و وفات

[illegible]

مکتبہ اسلامیہ
لاہور

[illegible]

درین روز که در روز پنجشنبه است
 درین روز که در روز پنجشنبه است
 درین روز که در روز پنجشنبه است
 درین روز که در روز پنجشنبه است

مجله دانش

فواقبجدازا سفا

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

[illegible][illegible]

مجلس العبد المذنب
الحبيب المخلص
الحبيب المخلص

میرزا محمد باقر خان

و سبب از اینست که جمیع از دست
و سبب از اینست که جمیع از دست
از این جهت که از دست آمده است

[illegible]

حسن فرید و اخلاص و حسن خلق
سخت و نیکو و صفتی نیکو است که
آرزوی تمام کائنات است

در این کتاب در بیان احوال و عیال و اولاد و غیره

[illegible]

18

از دوی اندر و سنین اندر چو
ست و ریاضت اندر آن کفایت
نند و حق بسیار آید حق را شک

۱۹۰۰

در روز دوازدهم

[illegible]

...

1871

نست منکله بری ملک است
خیر و نیک و عاقل و دانا

[illegible]

امام شافعی

فقد في الحب مروت
الذي في القلب النقي
منه لا طوبى

[illegible]

1872

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل القرآن الكريم
موسمًا من موسمي الدنيا والآخرة
موسمًا من موسمي العلم والفضل
موسمًا من موسمي الرحمة والبر
موسمًا من موسمي النور والهدى
موسمًا من موسمي الحياة والخلد
موسمًا من موسمي الملكوت والقدس
موسمًا من موسمي العزة والكرام
موسمًا من موسمي الجلال والإعزاز
موسمًا من موسمي الشرف والتميز
موسمًا من موسمي المجد والبروز
موسمًا من موسمي النعم والكرام
موسمًا من موسمي القدر والقدرة
موسمًا من موسمي العز والبر
موسمًا من موسمي النور والهدى
موسمًا من موسمي الحياة والخلد
موسمًا من موسمي الملكوت والقدس
موسمًا من موسمي العزة والكرام
موسمًا من موسمي الجلال والإعزاز
موسمًا من موسمي الشرف والتميز
موسمًا من موسمي المجد والبروز
موسمًا من موسمي النعم والكرام
موسمًا من موسمي القدر والقدرة

۱۰۰

1847

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم

١٠٠

عبد الرحمن بن عبد الله بن عبد الوهاب

ما آید و حسیب خود و شیرین آید
و بظلمتین دفع کند

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

مصر

۱۹۹۹

[illegible]

این کتاب در دست کرم
و در دست لایق
از کرامت و کرم
از کرامت و کرم

